



تبیین ریشه‌های مفهومی متداوم معماری در خانه‌های بومی

(نمونه موردی خانه‌های بومی اردبیل)**

بابک پهلوان^۱ ID، غلامحسین معماریان^۲ ID

*۱ (نویسنده مسئول) دانشجوی دکتری معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، اصفهان، ایران، ba.pahlevan@gmail.com
 *۲ استاد گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران، memarian@iust.ac.ir

چکیده

توجه به ویژگی‌ها و خصوصیات متداوم در فرهنگ بومی از مقولاتی است که ریشه در تاریخ معماری ایران دارد و موجب شده است مؤلفه‌های معماری ایران در طی قرون مختلف بستری تکوینی همگام با رشد و دگرگونی‌های فرهنگ ایرانی داشته باشد. ورود فرآورده‌های معماری غرب و تغییر ساختارهای فضایی گذشته، سبب از بین رفتن معماری بومی شده و در مقابل آن حس نوستالژی و یا حسرت نسبت به گذشته را ایجاد کرده و در پی آن توجه به ساختارهای معماری بومی از ورای توجه به مؤلفه‌های شکلی و تقلید از قالب‌های فضایی سنتی و بومی به صورت مؤلفه‌های تزئینی، توجه به معنا، مدنظر صاحبان اندیشه بوده است. ارتباط بین صورت و ماده و محتوا و قالب در معماری گذشته، روح خلاق و سازنده تفکر ایرانی را شکل می‌دهد، در این صورت است که معماری به صورت فضاهای چندبعدی و چندسطحی نمایان و بدین طریق خاطره‌ای در ذهن فرد تبلور می‌یابد که این خاطره سبب تقویت بنیان‌های معماری امروز می‌شود. این پژوهش نیز با بررسی ریشه‌های متداوم و ریشه‌های گسست سعی در آسیب‌شناسی و تحلیل عناصر کالبدی و فضایی خانه‌های بومی با رویکردی معنایی دارد.

اهداف پژوهش:

۱. شناسایی شاخص‌های متداوم اثرگذار در ارزش‌های معماری هر منطقه.
۲. شناسایی عوامل شکل‌دهنده تداوم معماری در خانه‌های بومی اردبیل.

سؤالات پژوهش:

- *۱ کدام مؤلفه و شاخص می‌تواند در تداوم ارزش‌های معماری هر منطقه تأثیر داشته باشد؟
- *۲ چگونه می‌توان عوامل شکل‌دهنده تداوم معماری را در خانه‌های بومی اردبیل شناسایی کرد؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۲

دوره ۲۰

صفحه ۹۷ الی ۱۱۳

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۲۲

تاریخ داوری: ۱۴۰۱/۰۷/۱۹

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

کلمات کلیدی

تداوم معماری،
 گسست در معماری،
 خانه،
 معماری بومی.

ارجاع به این مقاله

پهلوان، بابک، & معماریان، غلامحسین. (۱۴۰۲). تبیین ریشه‌های مفهومی متداوم معماری در خانه‌های بومی (نمونه موردی: خانه‌های بومی اردبیل). مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۵۲)، ۹۷-۱۱۳.



dorl.net/dor/20.1001.1.*

****.***.*/



dx.doi.org/10.22034/IAS

۲۰۲۲.۳۶۵۶۸۹.۲۰۷۸.

** این مقاله برگرفته از رساله دکتری «بابک پهلوان» با عنوان «تحلیل عناصر کالبدی- فضایی خانه به‌مثابه مبنایی برای تداوم معماری (نمونه موردی خانه‌های بومی اردبیل)» است که به راهنمایی دکتر «احمد امین پور» و مشاوره دکتر «غلامحسین معماریان» در سال ۱۴۰۱ در دانشگاه هنر " واحد " اصفهان" ارائه شده است.

مقدمه

شناخته‌شده‌ترین روش برای بازشناسی معماری هر منطقه آن است که براساس تاریخ و باتوجه به وقایعی که در پهنه‌های جغرافیایی اتفاق می‌افتد کم‌وکیف آن منتشر شود. معماری یک پدیده است که در هر منطقه با بذر همان منطقه در خاک کاشته می‌شود و نمایانگر سلیقه و ویژگی‌های بومی آن منطقه هست. اگر همین بذر در جایی دیگر کاشته شود حاصلی یکسان نمی‌دهد؛ معماری ایران نیز همین‌گونه است؛ دارای جلوه‌هایی است که از اندیشه عرفان ایرانیان نشئت گرفته و توسعه پیدا کرده است. نقطه آغاز شناخت، ویژگی‌های کالبدی است و به‌دست‌آوردن پیوندی میان شکل و ماده و معنای آن، معماری ایران و بناهای شناخته‌شده در آن دو نظام کلی را شکل می‌دهد. نظام ساختاری که نظام هندسی بنا نیز نامیده می‌شود و نظام شکلی که نظام آیین استقرار حجم‌ها و سطح‌ها و کنج‌ها نامیده می‌شود و موجودیت زمان بر هر دو قسمت تأثیر می‌گذارد (فلامکی، ۱۳۹۱: ۴۰) اندازه (یعنی سنجیده و معتدل، اندازه، یعنی شناخته و آرامش‌بخش، اندازه یعنی آشنا و نوآور) موضوع دیگری که در معماری امروز بسیار می‌بایست از معماری گذشته مورد استفاده قرار گیرد. انتظام و نظم فضایی است که در ساختار فضایی بنا می‌بایست لحاظ گردد. در معماری ایران و به‌خصوص خانه‌های قدیمی ماده، صورت، معنا، شکل بیرونی، ساختار درونی و نقش مفهومی یکی می‌شود. در معماری ایران و مخصوصاً دوره صفویه نمای بیرونی نمایانگر راز درون نیست؛ بلکه ساختاری شکیل و زیبا ارائه می‌دهد که این ساختار شالوده اصلی بنا را می‌پوشاند. تداوم ارزش‌های معماری به‌عنوان یکی از موضوعاتی است که در طول دوره‌های مختلف تاریخی مدنظر اندیشمندان بوده است؛ بنابراین شناخت مؤلفه‌های تداوم‌بخش در معماری می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه ارزش‌های معماری هر منطقه گردد.

برای تداوم معماری دو راه‌حل وجود دارد، یکی توصیف معماری‌های موجود و دومی نمایش ابزارهای شکل‌دهنده معماری مطلوب و مقبول نو و یا جدید که هر دو این راه‌حل‌ها می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در ریشه‌دار کردن ساختار معماری معاصر ایفا نماید که بهترین راه‌کار برای رسیدن به این راه‌حل نیز شناخت، توصیف و تفسیر و تحلیل عناصر و شاخصه‌های معماری گذشته هست. به‌طورکلی می‌توان گفت برای توسعه و رشد و گسترش معماری امروز نیاز به راهی نو برای شناخت و افزایش معماری است. باتوجه به بحث مطرح‌شده و تحلیلی که از ساختار معماری نو ارائه می‌گردد، برای تداوم معماری نیاز به ویژگی‌های بومی و پایدار هر منطقه و تبدیل به عناصر اصیل، بسیار مهم و حائز اهمیت هست. این اصل‌ها بر پایه سلیقه معماری‌های محلی و در حرمت‌گذاری بر جو فرهنگی اثرگذار بر نیازها و رفتارهای محیطی سبکی نو در معماری پدید می‌آورد که ارائه‌دهنده و تداوم‌دهنده معماری گذشته است.

این پژوهش به دنبال واکاوی ریشه‌های مفهومی تداوم معماری در خانه‌های بومی اردبیل است. بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. لذا در پژوهش حاضر که به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است، این موضوع بررسی می‌شود.

۱. ریشه‌های نظری تداوم معماری

باتوجه به بررسی‌های انجام‌یافته در شکل‌گیری معماری امروز ایران دو دیدگاه تأثیر دارد، یکی معماری ایران (خودی) در ادوار مختلف است و دیگری معماری پیشرو غرب که هر کدام با الگوهایی در شکل‌گیری معماری معاصر و تبیین بنیان‌های آن نقش اساسی ایفا کرده است (حائری، ۱۳۸۴: ۱۱). البته در دسته‌بندی اندیشمندان چهار گروه می‌توان برای برخورد با این دو دیدگاه متصور شد (نقره‌کار، ۱۳۸۴: ۵۸). گروه اول سنت‌گران هستند که به هر اثر با تأکید بر خاطره در ایجاد نوعی حس نوستالژی به حفظ آنچه از گذشته برجایمانده به‌ویژه «قالب» آن می‌نگرند و تلاش در توسعه آن دارند با اعتقاد به این‌که مضمون پیوسته به آن نیز به نحوی متداوم خواهد بود. درواقع، در این دیدگاه تکرار صرف قالب‌های گذشته، توانایی تکرار مضمون قدیمی را نیز دارد و در این راستا ارزش‌های فرهنگی و نمودهای آن بدون تغییر به‌نظر می‌رسند. به عبارت دیگر، ایده‌آل‌های ذهنی سنت‌گرایان با تداوم این ارزش‌ها قابلیت دسترسی دارد. در نقطه مقابل سنت‌گرایان کسانی قرار دارند که بی‌توجه به سنت و پیوند آن با معماری امروز به «نو بودن» اعتقاد دارند. نوگرایان باتوجه به نقش زمان به فناوری و پیشرفت به‌عنوان تنها عامل مؤثر بر شکل‌گیری فرایندهای معماری می‌نگرند. این دسته باتوجه به توانمندی‌های زمان خود به آفرینش قالب‌های تازه می‌پردازند، به امید این‌که قالب تازه بتواند نقشی مؤثر در توسعه معماری داشته باشد. البته دیدگاه فوق می‌تواند سبب توسعه معماری گردد، آنگاه که تقلید صرف و تکراری سطحی از معماری غرب نباشد.

در بین این دو نگرش، نگرش دیگری نیز وجود دارد که به‌نحوی سعی در پیوند بین گذشته و آینده با ترکیب و تلفیق معماری سنتی و معماری معاصر با پیشرفت‌های فناوریانه دارد. این دسته سعی دارند با شناسایی قالب‌های سنتی به الگویی دست یابند که بتواند مفهومی تازه را در خود جای دهد. الگوها در این بررسی برگرفته از عقایدی هستند که می‌تواند به ایجاد نوعی حس نوستالژی همراه با توسعه و استفاده از فناوری روز است؛ اما دسته دیگر پا را از این نیز فراتر گذاشته و به دنبال «مفاهیم پایدار» و مفاهیم متداوم از مقولات انسانی در فضا هستند و سعی دارند برای نیازها، متناسب با زمان، شکل و قالب نو خلق نمایند. گروهی که به این الگوها معتقدند از توان تداعی‌کننده قالب و شکل کهن در پدید آمدن معماری نو بهره می‌گیرند. این دسته توان آفرینندگی مفاهیم و مضامین پایدار را در قالبی نو با تجربه‌ای جدید و برگرفته از سنت ارائه می‌کنند که این موضوع مهم در این مقاله مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

۲. نشانه‌شناسی و ارزش‌های معماری ایرانی

معماری خانه ایرانی به‌عنوان جزئی از معماری ایرانی و یکی از مهم‌ترین شاخه‌های آن، می‌تواند در ایجاد حس بومی بودن و حس تعلقی به معماری نقش اساسی داشته باشد. از این‌رو در این پژوهش به مصادیق خانه‌ها به‌مثابه فرصتی نگریسته می‌شود که می‌تواند از لایه‌های پنهان معماری ایران توقعات و انتظارات را به‌گونه‌ای هماهنگ با ساختار بومی و فرهنگی برآورده سازد. در این بخش از مقلله به‌منظور دستیابی به توانمندی بیانی آثار و این‌که چگونه

می‌توانند تأثیرگذار بوده و به تولید معنا بپردازند، با اتکا به رویکردهای تحلیلی و اتخاذشده در بخش‌های قبلی که به‌نوعی توصیف و شناخت کالبدی بود مورد تحلیل قرار می‌گیرد. ویژگی‌های شکلی و فرمی آثار، براساس قوانین بصری و از نقطه‌نظر ترکیبی می‌توانند منجر به ایجاد حالات فضایی مختلف شده و بدین طریق بازشناسی ساختار آن‌ها می‌تواند در بیان احساسی‌شان مؤثر باشد؛ بنابراین نشانه‌شناسی و معناشناسی و در کنار آن ارائه مدل پیشنهادی به‌عنوان یکی از راه‌کارهای مهم در شناخت و نهایتاً تحلیل عناصر کالبدی و فضایی خانه برای تداوم معماری است. (آزمون فرضیه) بدین ترتیب با ارزیابی مناسب، توان و قابلیت مصادیق معماری ایرانی در تولید معنا آشکار می‌گردد و همچنین این تجربه و تحلیل توانمندی آثار معماری در مواجهه با معماری روز را نیز نشان خواهد داد. از نقطه‌نظر نشانه‌شناسان، نشانه معمولاً با قصدی دائر بر انتقال معنا همراه است (گیرو، ۱۳۸۰: ۴۰).

پیام صادره از اثر معماری به‌عنوان یک نظام نشانه‌ای از هر دو سطح معنایی «فنی» و «هنری» برخوردار است. در پرداختن به مقوله معنا در یک نظام نشانه‌ای آنچه اهمیت دارد وجود فرایند نشانه‌ای است و توقف معنادار به مفهوم توقف فرایند است. درواقع، در فرایند نشانه‌ای تحقق معنا و تولید آن با هم اتفاق می‌افتد. در اینجا باید به این نکته اشاره کنیم که تحقق معنا بستگی به عوامل متعددی که برگرفته از خصوصیات مفهومی، نگاره‌ها و رمزارها دارد و تولید معنا درواقع خلق یک مفهوم در قالب فرایندی تحقق‌پذیر است. به عقیده یاکبسون استعاره و مجاز دو منش بنیادی انتقال معنا هستند، بدین طریق که با حفظ قواعد زنجیره‌ای پیام به شکلی دیگر بیان می‌شود (یاکبسون، ۱۳۸۰: ۱۱۶).

استعاره ممکن است مبتنی بر رابطه‌ای با شباهت مستقیم بوده و یا چنانچه تشابه در آن غیرمستقیم است آن را نمادین دانست. در مقابل مجاز مبتنی بر روابط مختلف نمایه‌ای بین مدلول‌ها است (چندلو، ۲۰۰۲: ۱۳۰). رابطه بین دال و مدلول که سبب ایجاد نشانه می‌شود، به گونه‌های مختلف قابل دسترسی است که از آن جمله می‌توان به نمایه، نگاره و نماد اشاره کرد. البته هر یک از این مفاهیم می‌تواند نقش اساسی در تحقق معنا و نهایتاً تولید معنا داشته باشد. نمایه ارتباط آشکار بین دال و مدلول است، مانند تصویر و عکس یک شیء و نماد که ارتباط قراردادی بین دال و مدلول هست و نگاره که تصویر دال بر مدلول است که هر سه این مفاهیم در معماری ایرانی به‌گونه‌ای شاخص در محل خود مورد استفاده قرار گرفته است این موضوع در معماری خانه نیز به نحو بارزی دیده می‌شود موضوعی که بسیار حائز اهمیت است رمزنگاری است که در معنا تجلی می‌یابد. به گفته سیلورمان (سیلورمان، ۱۹۸۳: ۱۰) «معنا» از تفاوت میان دال‌ها شکل می‌گیرد. این تفاوت بر دو گونه است: تفاوت ناشی از محور هم‌نشینی و تفاوت حاصل از محور جانشینی در نشانه‌شناسی که به‌عنوان یکی از راهکارها جهت تداوم معماری هست اصطلاحی تحت عنوان «موضوع و محمول» وجود دارد که سیلورمان به آن اشاره دارد که در آن احتمال بر پدیده‌ای به نام «اسناد» استوار است. برای آن که رابطه اسنادی به وجود آید تمایز قوی مابین زمینه (موضوع) و افزوده جدید (محمول) لازم است. این تمایز در حد تضاد است و در این زمان معنا را شکل می‌دهد (مدل اولیه پیشنهادی) (سیلورمان، ۱۹۸۳: ۱۰). در تحلیل محور هم‌نشینی داخل یک متن یعنی ساختار یک متن را مورد تحلیل قرار داده و اجزاء آن را در مناسبت با

یکدیگر بشناسیم. این محور در هنرهای دیداری می‌تواند ماهیت و مشی مکان به خود گیرد؛ مانند مناسبت میان «مرکز و پیرامون» که در آن پدیده‌ای در مرکز تصویر قرار می‌گیرد، در این تحلیل، هسته اصلی تصویر تجسم می‌شود و عناصر پیرامونی معمولاً فرعی، جانبی و وابسته تلقی می‌شوند (کنس، ۱۹۹۶: ۱۹۶-۱۹۸) اما تحلیل جانشینی بر پایه تباین کارکردی یا تفکیک استوار است. رابطه جانشینی به دال‌هایی برمی‌گردد که در متن حضور ندارد (دو سوسور، ۱۳۷۸: ۱۲۳). از این رو، تحلیل متن به اعتبار محور جانشینی متضمن قیاس، تطبیق و بررسی ناهمانندی هر یک از دال‌های حاضر در متن با دال‌هایی است که در شرایط واحد قابل‌گزینش هستند (ضمیران، ۱۳۸۲: ۷۹). مفهوم آشکارگی و یا برجستگی در محور جانشینی به کار می‌رود؛ بدین ترتیب که صورت برجسته و آشکار در متن، خود پیام حاضر را افاده می‌کند. در نتیجه، چنین متنی به تأویل نیازمند است. در مقابل متنی که از قاعده بالا تبعیت کند فاقد برجستگی است. (استثنا در قاعده‌بندی) (مایس، ۱۳۸۴: ۶۱). در معماری نیز بدین صورت که قاعده‌بندی مناسب می‌تواند خودش را به عنوان زمینه‌ای برای استثنا عرضه نماید و با به زیر سؤال بردن قانون، توجه ما را به خود جلب نموده و علاقه را بیدار کند؛ بنابراین در تداوم معماری استثنا از قاعده‌مندی بسیار به کار می‌آید؛ در این صورت است که معنا به شکلی دیگر نمایان می‌شود. این موضوع می‌تواند به نحوی بارز سبب تولید مفهوم و معنای جدید با تولید عناصر کالبدی و فضایی متداوم در معماری گردد. برای تولید معنا متناسب با ویژگی‌های زمینه‌ای و محمول می‌بایست نمونه‌های موردی به گونه‌ای موردنقد و سنجش و تحلیل گردند که فرهنگ و هویت و ساختار کلی با ویژگی‌های بومی و سنتی نیز هم‌خوانی داشته باشد.

۳. تبیین تداوم معماری با تکیه بر معنا در عناصر کالبدی و فضایی

انتخاب خانه‌های بومی و سنتی و تحلیل عناصر کالبدی و فضایی که ویژگی‌های متداوم، پایدار و غنی شده را بتواند مورد بررسی و نقد قرار دهد موضوعی است که این پژوهش در پی آن است. مطالعات و بررسی‌های اولیه درواقع ساختار معماری مسکونی سنتی و بومی اردبیل را نشان می‌دهد؛ اما این موضوع چگونه می‌تواند به تداوم معماری ایران و شخصیت دادن به آن کمک کند، در اینیه انتخابی موارد شاخصی هستند که در فرایند استدلالی نماینده مفهوم و معنا هستند و می‌توانند سبب تغییر در ساختار کنونی معماری گردند، با دقت بر چگونگی ترکیب فضایی در خانه‌های ایرانی از وجوه مختلف دو ترکیب حائز اهمیت است. یکی «حجم، نمای بیرونی و داخلی آن و دیگری پلان و ترکیب فضایی آن» هست که هر کدام به صورت مجزا می‌بایست مورد تجزیه و تحلیل علمی قرار گیرد. در مواجهه با نمای بیرونی و داخلی و همچنین حجم کلی بنا در خانه‌های اردبیل به لحاظ شکل و ویژگی، در مقایسه با معماری امروز قاعده معینی بوده که در برخی موارد سبب ایجاد تضاد در زمینه می‌شود که سطح جدیدی از معنا در نما و حجم را تعریف می‌کند. تناسبات و ویژگی‌های شکلی فضای تالار و درگاه و حیاط مرکزی به عنوان نقطه عطف در خانه‌های اردبیل هست که موجب شده تناسبات به شکلی متقارن در بنا تکرار شوند؛ بنابراین با شناسایی نقاط عطف طرح نمای ساختمان علاقه را در فرد بیدار می‌سازد و در نسبتی که با زمینه برقرار می‌سازد به تولید معنا منجر می‌شود. به عنوان نمونه، از زاویه دید پرده یا بام، فضای حیاط به عنوان نقطه عطف و جزو فضاهای باز به عنوان مرکز

حجم، معنا و مفهومی متضاد در مقابل فضای بسته (پر) ساختمان ایجاد می‌کند. در این رابطه حجم پر بنا به‌عنوان زمینه، عمدتاً به شکل غیرهندسی و دارای شکستگی در پلان و حیاط با شکلی هندسی و منظم در تضاد با آن سبب ایجاد نقطه عطف در ذهن بیننده می‌شود. ایفای نقش کانون توسط حیاط مرکزی در ابنیه اکثر نقاط ایران دیده می‌شود. چنانچه با برشی افقی به خوانش فضاها در زیر سطح بام پردازیم چندین نقطه عطف قابل‌شناسایی است و می‌توان آن‌ها را در سه دسته فضاهای باز، بسته و سرپوشیده طبقه‌بندی نمود (فلامکی، ۱۳۹۳: ۹۴). در گستره فضای باز «حیاط» در گستره فضای بسته «تالار» و در گستره فضای نیمه بسته «ایوان» به‌عنوان نقاط مفهومی در حجم و پلان نمایان می‌شود. در مناطق سردسیر برخلاف مناطق گرمسیر تالار در کنار حیاط به‌جای ایوان به‌عنوان نقطه عطف و کانون شناسایی خانه مطرح می‌شود، بنابراین تالار تنها فضایی است که چه در نمای بیرونی و چه در نمای درونی و چه در پلان به‌عنوان نقطه عطف طرح و کانون توجه معرفی شده است.

جدول ۱. کانون فضایی در خانه‌های مناطق سردسیر

نما:	
ورودی و پیشخوان در کوچه	- بیرون
۵ دری و تالار و ایوان و طاق‌نما	- درون
پلان:	
ایوان	- فضای نیمه سرپوشیده
تالار و پنج‌دری و سه‌دری	- فضای بسته
حیاط مرکزی	- فضای باز

در بررسی انجام‌یافته پس از تالار به ترتیب ایوان و ۵ دری به‌عنوان نقطه عطف در ارتباط با زمینه خلنه‌های بومی اردبیل بوده است.

۴. عناصر مفهومی تأثیرگذار بر کانون‌های فضایی

در تولید معنا و ارتباط مفهومی عناصر با کانون، ایوان، تالار (شاه‌نشین) و حیاط به‌عنوان مرکز در نظر گرفته می‌شود. در خانه‌های بومی اردبیل طبق بررسی انجام‌یافته عنصر آب و عنصر گیاه به‌عنوان نقطه عطف در طراحی فضاهای باز، بسته و نیمه بسته بوده است. گیاهان و ترکیب فضایی ایجادشده در حیاط کاملاً منطبق برهم هست. این موضوع زمانی بیشتر خود را نشان می‌دهد که به مفهوم و معنای استفاده از این عناصر در فضاهای کانونی توجه کنیم:

۴.۱. آب و گیاه

گیاهان و فضای سبز موجود در حیاط مرکزی خانه به عنوان عنصری کالبدی و فضایی در حیاط که به صورت فیزیکی دیده می‌شود، در داخل تالار و دید به منظر حیاط نقش فضایی و تلطیف‌کننده ایفا می‌کند. تکرار گیاهان طبیعی حیاط و گلدان‌های کنار پنجره در ایوان حیاط و گیاهان طبیعی و مقایسه آن‌ها علاوه بر ایجاد هارمونی در منظر و دید شخص سبب ارتباط بین فضای داخل و خارج می‌شود و با توجه به این که در این مناطق ایوان در درجه اهمیت دوم قرار دارد، بنابراین نقش تالار را به وضوح نشان می‌دهد. البته در تزئینات داخل ساختمان نیز نقوش تزیینی با طرح گیاهان بر دیوار فضاها دیده می‌شود.



تصویر ۱: تالارخانه ابراهیمی. (منبع: نگارنده)

۴.۲. نور طبیعی

عنصر دیگری که در خانه‌های اردبیل به عنوان نقطه عطف ترکیب فضایی مطرح است نور طبیعی خورشید است. نور خورشید در گذر از فضای حیاط به تالار سلسله‌مراتب فضایی را به وضوح نمایان می‌سازد. صافی پنجره ارسی و یا چشمه‌های طاق سبب تلطیف فضا با نور شده و از اتصال مستقیم نور بدون اثرگذاری مثبت در معنای فضا جلوگیری می‌کند، این ترکیب زمانی تشدید می‌شود که رنگ و نوع نور در فضاها مختلف نیز متفاوت می‌شود؛ به گونه‌ای که جنس نور متفاوت می‌شود. در سهدری نور به صورت مستقیم بدون تغییر در کیفیت وارد فضا می‌شود تا فرد به وضوح نور روز را احساس نماید؛ در پنج‌دري نور با فیلتر کمی وارد فضا می‌شود و در هفت‌دري نور با ترکیب متفاوتی سبب ایجاد حس تعلق و ماندن در فضا می‌شود. عنصر دیگری در مفهوم فضایی و تقویت حس تعلق و هویتی تأثیر بسیار دارد استفاده از انعکاس نور و تصویر شامل گیاهان، تصویر نمای ساختمان و آسمان بر روی حوض و شیشه‌های پنجره است. این عنصر نقشی تقویتی و تکاملی در فضا ایفا می‌کند؛ به گونه‌ای که انعکاس ستون‌ها و سرستون‌ها سبب تقویت ابهت و عظمت ساختمان شده است.



تصویر ۳. خانه صادقی. (منبع: نگارنده)



تصویر ۲. خانه رضازاده. (منبع: نگارنده)

نقاشی و تزئینات در بنا
تقویت کانون با عنصر طبیعی و شبه طبیعی
فضای باز (حیاط) آب و گیاه، انعکاس تصاویر (عنصر طبیعی)
فضای بسته (تالار) تصویر آب و گیاه و انعکاس در تزئینات با نقوش خورشید، ستاره، گیاهان بهشتی (عنصر شبه طبیعی)
فضای نیمه بسته (ایوان) ارتباط بین طبیعت و ساختمان (عنصر شبه طبیعی)

۴.۳ انعکاس تصویر و نور

انعکاس تصور و نور در سقف و نقاشی سقف بنا نیز دیده می‌شود. آسمان طبیعی در ایوان بعضاً به‌صورت آسمان شب و گاه به‌صورت نقش خورشید و اشعه آفتاب که به گنبد آسمان پهن‌شده دیده می‌شود. البته در برخی موارد سقف ایوان با تیرهای چوبی موازی هم پوشیده شده است که حس توالی و توازن و ارتباط بینابینی حیاط و تالار را تداعی می‌کند. همین ویژگی به‌وضوح در سقف یا آسمان تالار سبب تقویت احساس فضای باز حیاط می‌شود. تا آنجا که خود به‌صورت یک چشمه نور جلوه‌گر شده و در عین تداعی شکل خورشیدی ماهیت آن را نیز تداعی می‌کند؛ بنابراین می‌توان گفت در گذشته نقش تالار و ایوان با عنصر طبیعی تقویت شده است. انعکاس ستون‌ها در حوض سبب القاء حس عظمت در بنا، ایجاد محیط آرامش‌بخش با ترکیب آب و گیاه می‌گردد.



تصویر ۴. سقف تالار. (منبع: نگارنده)

ساختمان سقف با نقش خورشید و چشمه نور سبب القا حس تعلقی شده است. در حیاط از عناصر طبیعی و در تالار از عناصر شبه طبیعی به گونه‌ای استفاده شده که ارتباط بین طبیعت و فضای خانه و بیرون در هر صورت تأمین می‌گردد. فضای ایوان به نسبت استفاده از عناصر طبیعی و شبه طبیعی در وضعیتی بینابین قرار می‌گیرد. «بنابراین در حرکت از فضای باز به فضای بسته عناصر از حالت طبیعی به شبه طبیعی تغییر خواهد نمود که این موضوع در خانه‌های امروزی به روشنی نادیده گرفته می‌شود. به گونه‌ای که آثاری از عناصر طبیعی و شبه طبیعی به جز گلدان‌های تزئینی که آن‌هم در بسیاری موارد با ساختار بنا هیچ تناسبی ندارد، ارتباط خاصی بین طبیعت و بنا ایجاد نمی‌شود». (آزمون فرضیه) موضوعی که در خانه‌های اردبیل دیده می‌شود و باعث تفاوت آن با خانه‌های مناطق گرمسیر است نقش ایوان است که در مناطق گرمسیر سبب تقویت ارتباط عناصر طبیعی و شبه طبیعی می‌شود ولی در مناطق سردسیر این نقش کم‌رنگ است که با تزئین بنا توسط گلدان در کنار پنجره و ارسی، معماران بنا سعی در تقویت آن دارد.

در بررسی اشکال و نقوش تزئیناتی مربوط به بنا مشاهده می‌شود تأویل و تداعی معانی به نحو بسیار بارزی در داخل بنا دیده می‌شود این تداعی معنا برگرفته از اعتقادات نیز هست که به محور هم‌نشینی بنا و تقویت آن کمک می‌کند.



تصویر ۵. خانه صادقی اردبیل. (منبع: نگارنده)

بنابراین در بررسی کلی می‌توان گفت حیاط به‌عنوان کانون طبیعی و تالار به‌عنوان کانون شبه طبیعی در زمینه کالبدی مصادیق معماری است.

۵. تحلیل مفهومی کانون‌های فضایی در خانه‌های اردبیل

در بررسی پلان و نما و همچنین ساختار فضایی و کالبدی خانه به تحلیل مفهومی فضا پرداخته شد. در این بررسی نخست به شناسایی عناصر و نقاط عطف در بنا توجه گردید که سه فضای حیاط، ایوان و تالار موردنقد و بررسی قرار گرفت. از این عناصر تالار به‌عنوان کانون اصلی شکل‌گیری پلان توسط طراحان مدنظر بوده است. در این میان عناصر ترکیبی نیز که نقش مهمی در پیوند کانون‌ها با یکدیگر داشتند، می‌توان به گیاهان و نقش آن‌ها در توصیف فضا اشاره کرد. مقایسه بین نقش این عنصر در فضاهای باز، نیمه‌باز و بسته به شناسایی نقطه عطف و شناخت عناصر طبیعی و شبه طبیعی و نقش آن‌ها در ساختار فضایی و کالبدی منجر به شناسایی مؤلفه‌های متداوم در معماری معاصر می‌گردد. (آزمون فرضیه)

حال با توجه به نقش تالار به‌عنوان نقطه عطف چه در داخل بنا و چه در نمای خارجی بنا به فرآیند تولید مفهوم توسط طراحان می‌پردازیم:

۵.۱. تالار به‌عنوان نقطه عطف در فرآیند تولید و تداعی مفهوم

تالار با توجه به وسعت و محل قرارگیری و ویژگی‌های مربوط به تمایز شکلی با سایر فضاهای داخلی خانه که به‌عنوان نقطه عطف در طراحی توسط معماران قرار گرفته سبب ایجاد تعادل و تقارن در بنا بوده است. موقعیت قرارگیری آن در مرکز فضا عامل دیگری است که به شأن و اهمیت این فضا در ساختار کالبدی و فضایی خانه اشاره دارد. به خاطر ویژگی‌های منحصربه‌فردی که تالار در کالبد بنا و تعریف‌کنندگی فضا انجام می‌دهد کشش فضایی و حس دعوت‌کنندگی و کنجکاوی را در فرد ایجاد می‌کند.

جدول ۲. نقش تالار در تولید مفهوم

ویژگی‌ها	مفهوم و معنا	جایگاه معنایی
ارتباط مجازی با طبیعت گشودگی فضایی تقارن و تعادل در ساختار کالبدی بنا	تقویت حس تعلق حس دعوت‌کنندگی و تقویت ارتباط بین انسان و بنا	تداعی احساس

۵،۲. نقش عناصر طبیعی و شبه‌طبیعی در فرایند تولید مفهوم در تالار

چنانچه تالار را به لحاظ عناصر طبیعی و شبه‌طبیعی مورد توجه قرار دهیم، عناصر شبه‌طبیعی در تالار با نور گرم آفتاب که از پنجره ارسی به داخل تابش می‌کند. ترکیب نور طبیعی - رنگ شیشه‌های ارسی و نقاشی داخل بنا تداعی‌کننده حسی است که ارتباط بین انسان و طبیعت را تقویت می‌کند.

جدول ۳. نقش عناصر طبیعی در تالار

ویژگی‌ها	مفهوم و معنا	جایگاه معنایی
گیاه و آب تجریدی اشعه نور آسمان	تداعی‌کننده حس تعلق و هویت در بنا	تداعی بهشت و ارتباط انسان و آسمان

آنچه از بررسی فضای تالار به دست می‌آید به ۲ نوع نیاز انسان پاسخ می‌دهد یکی نیاز درونی و وابسته به آنچه در درون بنا است (نیازهای روزمره) و دیگری نیازی است که از فضای بیرون برای آن می‌توان متصور شد این نیاز متناسب با بافت شهری و نیازهای اجتماعی نیز هست (فلامکی، ۱۳۹۳: ۱۰۳). حال اگر مفاهیم مربوط به تداعی حس باغ را در کنار تداعی ارتباط انسان با بهشت قرار دهیم، مفهومی جدید که تقویت‌کننده حس تعلق است. در ذهن خطور می‌کند این حس همان تداوم معماری است که در صورت ایجاد در ساختمان‌ها و نیازهای جدید سبب تقویت هویت ملی و سرزمینی می‌شود. (آزمون فرضیه)

جدول ۴. تالار

ویژگی‌ها	مفهوم و معنا	جایگاه معنایی
تقارن و تعادل در نما	عناصر شبه طبیعی روشنائی طبیعی و تمایز از سایر ویژگی‌ها آسمان و نقش خورشید	تداعی بهشت
شکل متمایز از زمینه		تداعی طبیعت
مرکزیت دهنده به بنا		
وسعت و فراخی فضا		

حال باتوجه به جایگاه حیاط، ایوان و تالار به عنوان فضای باز، نیمه سرپوشیده و سرپوشیده رابطه کالبدی و فضایی با تولید مفهوم در بنا در جدول زیر نشان داده می‌شود.

جدول ۵. رابطه کالبدی و فضایی با تولید مفهوم در بنا

عنوان	کاربری فضایی	نقش فضایی	تداعی معانی
باز	حیاط	کانون طبیعی	بهشت و طبیعت
نیمه سرپوشیده	ایوان	کانون میانی	ارتباط مفاهیم طبیعت و عالم معنا
سرپوشیده	تالار	کانون شبیه طبیعی	عالم معنا و ارتباط انسان با طبیعت به صورت مجازی

باتوجه به مفاهیم گفته شده درواقع کالبد حیاط، تالار و ایوان به عنوان ظرف و مفهوم طبیعت، شبه طبیعت و تداعی طبیعت به عنوان مظروف است که سبب تقویت حس ماورایی انسان می‌شود (صفوی، ۱۳۷۹: ۲۳۰-۲۳۱). علاقه کلیت و جزئیت (ذکر جزء اراده کل) و علاقه ظرف و مظروف دو گونه ترکیب مجاز هستند. منظور از «علاقه» رابطه معنایی است که میان معنی حقیقی و معنی مجازی وجود دارد (شمسیا، ۱۳۷۴: ۲۱).

۶. چگونگی تولید معنا برای تداوم معماری در خانه‌های اردبیل

با تقویت حافظه بصری خود از اطلاعات نظام‌مند معماری گذشته، می‌توان در هنگام بررسی و ارائه راه‌کارها و ایده‌های مختلف با نگاهی تداومی نسبت به معماری نگاه کرد. برای تدقیق در تداوم عناصر معماری می‌بایست هر یک از بناها به صورت موردی تحلیل شده و نتایج حاصل به صورت ترکیبی از عناصر تداوم‌دهنده و عناصر شاخص در بنا جهت ایجاد نوعی احساس هویتی ارائه گردد.

در بررسی معنایی خانه‌های بومی و سنتی (اردبیل) طبق دسته‌بندی انجام‌یافته می‌توان عناصر کالبدی و فضایی را به‌صورت زیر دسته‌بندی شد:

جدول ۶. عناصر کالبدی و فضایی

نوع	کانون	نام فضا	کاربری	عنصر متداوم در معماری
باز	حیات	کانون طبیعی و ارتباط مستقیم با بنا	فضای ارتباطی و کاربردی جهت انجام کارهای روزمره	حیات و طاق‌نماهای آن
سرپوشیده	تالار	کانون مجازی و تمثیل طبیعت	فضای نشستن و پذیرایی مهمان	پذیرایی
نیمه سرپوشیده	ایوان	ارتباط بین کانون مجازی و طبیعی	ارتباط بین داخل و خارج	تراس و بالکن

باتوجه به آنچه گفته شد برای تولید معنا و اثربخش بودن فضای طراحی شده می‌بایست هر یک از خانه‌های بومی و سنتی متناسب با ویژگی‌های خود مورد تحلیل و نقد قرار گیرد. در بررسی عناصر فضایی و کالبدی خانه توجه به روابط فضایی و چگونگی سلسله‌مراتب فضایی نیز بسیار حائز اهمیت است.

در تحلیل معنایی عناصر کالبدی و فضایی خانه تأکید بر این نکته بسیار حائز اهمیت است که معنا و مفاهیم چگونه توانسته‌اند خود را در قالب عناصر کالبدی به بنا تحمیل نمایند؛ موضوعی که نقش اساسی در تداوم معماری می‌تواند داشته باشد.

در بررسی چگونگی تداوم معماری عناصر تجریدی نیز نقش بسیار مهم و اساسی دارند. گیاهان تجریدی که تداعی باغ می‌نمایند در خانه‌های بومی و سنتی جایگاه بسیار مهمی ایفا می‌کند این موضوع به‌صورت واقعی در حیات به‌صورت باغ آرمانی و در ایوان به‌صورت باغ مثالی و در تالار به‌صورت نقوش شبه طبیعی سبب ایجاد ارتباط معنایی بین فرد و ساختمان می‌گردد. این موضوع در بناهای اواخر قاجار و پهلوی اول به‌وضوح قابل مشاهده است (معماریان، ۱۳۹۳: ۵۱).

۷. جمع‌بندی موضوع با بررسی ریشه‌های گسست در عناصر کالبدی و فضایی خانه‌های اردبیل با

تأکید بر مفاهیم هویتی

تعریف تداوم و گسست در معماری خانه‌های بومی اردبیل تا اواخر دوره قاجار حداقل از نظر شکلی قابل دسترسی است. هر یک از اجزاء خانه‌های بومی دارای اندام‌هایی هستند که می‌توان به‌صورت مشترک در تمامی دوره‌ها آن را مشاهده کرد. از اواخر دوره قاجار تا دوره پهلوی دوم اندام‌هایی با شکل‌های جدید وارد بناها و به‌ویژه خانه‌های سنتی شده است. به‌عنوان مثال، اگر حیات مرکزی و فضای پیرامون آن را یک‌شکل بدانیم این شکل تغییر پیدا کرد؛

به‌گونه‌ای که ابتدا کارکردش را از دست داده و سپس به شکلی جدید که اکنون در مجموعه‌های آپارتمانی و چندطبقه دیده می‌شود تبدیل شد. این تغییر شکل که به‌وضوح ساختار کلی حیاط و نقش مفهومی و کارکردی و فضایی و ساختاری آن را تغییر داد، به زبان ساده نوعی گسست از شکل اصیل خانه سنتی نامیده می‌شود. در بررسی این گسست می‌بایست هر یک از عناصر که در بخش قبل به‌صورت مفهومی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت از دید گسست فضا نیز مورد توجه قرار گیرد. همان‌گونه که گفته شد عناصر فضایی و کالبدی خانه در سه دسته تقسیم شدند؛ فضای باز، فضای نیمه‌سرپوشیده و فضای سرپوشیده که می‌بایست این سه دسته از نظر تغییر ساختار در فرایند معماری معاصر مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد (فلامکی، ۱۳۹۳: ۹۴).

در بررسی گسست و عوامل تأثیرگذار بر آن در یک‌لایه عمیق‌تر، این موضوع از اواخر قرن نوزدهم آغاز می‌شود. در دهه ۱۹۲۰ شعار و عمل «رد هرگونه پیوند و تبعیت از معماری گذشته در طراحی معاصر» مطرح می‌گردد (لئوناردو بنه ولو، ۱۳۸۴: ۸۵). تاریخ شکل‌گیری و رواج اندیشه قطع رابطه با تاریخ معماری در ایران مصادف با آخرین سال‌های حکومت قاجار و اوایل دوره پهلوی بود. نخستین دانشکده معماری نیز ۲۰ سال بعد از این تاریخ تأسیس گردید (معماریان، ۱۳۹۳: ۵۲). تا آغاز به کار این دانشکده، الگوهای غربی از طریق مشاهده‌ی حاکمان از کشورهای اروپایی و برخی منابع تصویری وارد ایران می‌شد. این موضوع سبب گردید تا نوگرایی تقلیدی و ناقص و صوری در معماری ایران سبب گسست از معماری گذشته گردد، بدون آن‌که آسیب‌شناسی درستی از معماری گذشته انجام گیرد. البته در اوایل دوره پهلوی معماری پست‌مدرن مورد توجه برخی از معماران قرار گرفت که بیشتر الگوهای پیش از اسلام مورد توجه آن‌ها بود، اما پس از مدتی این طرح‌ها نیز کنار گذاشته شد و ساختمان بانک‌ها و دانشگاه‌ها و خانه‌ها مبتنی بر شیوه دیگری که این شیوه نیز به‌صورت ناقص از معماری مدرن اقتباس شده بود و آن‌هم نیازهای عمومی مردم را برآورده نمی‌ساخت، مورد توجه قرار گرفت. در بررسی عناصر کالبدی و فضایی و کیفیات مربوط همان‌گونه که گفته شد ریشه‌های گسست به دوره قاجار برمی‌گردد. بر این اساس، حیاط، تالار، ایوان که جزو عناصر اصلی و شکل‌دهنده معماری گذشته ایران بودند، به مرور تغییر ساختار داده و در برخی موارد نیز این کانون‌ها به‌طور کلی حذف گردید. به‌عنوان مثال، تالار جای خود را به فضای پذیرایی در بناهای مسکونی کنونی داده که ساختار کلی آن باتوجه به نیاز ساکنان و کمبود فضایی تغییر یافته به‌گونه‌ای که پذیرایی با تلفیق در فضای آشپزخانه ساختار فضایی متفاوتی را ایجاد کرده است. البته فضای پذیرایی را می‌توان ادامه همان ساختار قبلی با ترکیبی جدید دانست ولی حیاط با ترکیب عناصر طبیعی و عناصر کالبدی و فضایی خاص خود به‌طور کلی تقریباً از ساختار فضایی خانه‌های امروزی حذف گردیده است.



تصویر ۶. نمونه ایوان در آپارتمان و خانه‌های سنتی. (منبع: نگارنده)

در رابطه با ایوان نیز فضا به‌طور کامل استحاله شده و ساختار و ترکیبی که به‌صورت فضای بینابینی و ارتباطی بین داخل و خارج بنا داشت نیز تقریباً حذف شده و به‌صورت تراس، یا بالکنی محدود در بنا ظهور پیدا کرد. در رابطه با نقش ایوان با توجه به ساختار فرهنگی جامعه ما، در برخی موارد با مقاومت ساکنین فضای کوچک تراس نیز تبدیل به فضای بسته شده است و دلیل اصلی آن از بین رفتن ساختار و معنای کالبدی و فضایی آن هست. این گسست و عدم توجه به مفهوم و معنا و توجه به سبک و شیوه زندگی مردم بوده است که در نهایت سبب از بین رفتن ساختار کالبدی و فضایی معماری بومی و سنتی شده و این نیز سبب تغییر شیوه زندگی شده، موضوعی که دغدغه اصلی اندیشمندان و صاحب‌نظران در رابطه با سبک زندگی ایرانی و اسلامی نیز بوده است.

جدول ۷. عنصر فضایی و کالبدی در بناهای سنتی و معماری معاصر

فضا	عنصر فضایی و کالبدی در بناهای سنتی	عناصر کالبدی و فضایی در معماری معاصر
سرپوشیده	تالار	پذیرایی از مهمان
نیمه‌سرپوشیده	ایوان	پذیرایی
باز	حیاط	تراس و بالکن
		فضای مشاع
	فضای پذیرایی از مهمان و تأثیر در ساختار فضایی و کالبدی	محل زندگی - نشیمن و ترکیب کالبدی فضای زندگی و پذیرایی از مهمان
	سبب تلقی طبیعت و ارتباط با محیط طبیعی	عدم ارتباط با محیط پیرامون و فقط به‌عنوان ساختار و ترکیب طبیعت و ساختمان
	ایجاد ساختار هندسی در ترکیب پلان و تلطیف فضا	عدم ایجاد ساختار و عدم ارتباط مستقیم بین طبیعت و ساختمان
	تغییر ساختار تالار در طول ادوار مختلف	تغییر کاربری و تأثیر آن در ترکیب حجمی

فضا	عنصر فضایی و کالبدی در بناهای سنتی	عناصر کالبدی و فضایی در معماری معاصر
گسست از معماری	تغییر ابعاد و اندازه و کاربری در اقلیم‌های مختلف	از بین رفتن کاربری خاص ایوان و تبدیل آن به فضایی غیرضروری در بنا
	تغییر شکل هندسی و ترکیب فضایی در ادوار مختلف	حذف از ساختار فضایی و کالبدی خانه با توجه به تغییر نحوه و سبک زندگی مردم

نتیجه‌گیری

با بررسی تداوم و گسست و تأثیر آن بر هویت معماری و حس تعلق به بنا و ارتباط بین ساختمان و محیط پیرامون، این‌گونه به نظر می‌رسد که عناصر فضایی و کالبدی در ادوار مختلف با توجه به ساختار فرهنگی و سبک زندگی مردم تا دوره قاجار با تغییراتی توسعه‌یافته ولی از دوره قاجار و با ورود فرهنگ‌های مختلف به جامعه ایرانی و مخصوصاً فرهنگ غربی نقش، معنا و وجه خود را تغییر داده که در برخی موارد سبب حذف برخی از ساختارهای مهم در فضای معماری ایران گردیده است. این موضوع در بناهای معاصر کاملاً مشهود است. البته تنها ساختار فضایی و کالبدی داخل بنا مطرح نیست بلکه در کنار ساختار فضایی، نمای ساختمان نیز در طول این مسیر تغییر یافته است؛ بنابراین برای تداوم معماری و تقویت نقش معماری سنتی ایران، نیاز به تقویت مجدد ساختار بنا و توجه به مؤلفه‌هایی است که در گذشته معماری ایران وجود داشته و سبب ایجاد نوعی ارتباط عاطفی، احساسی و تعلق بین انسان و ساختار فضایی و کالبدی خانه هست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع و مآخذ:

کتاب‌ها

- دوسوسور، فردینان. (۱۳۷۸). دوره زبان‌شناسی عمومی. برگردان کورش صفوی، تهران: انتشارات هرمس.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۴). بیان و معانی. تهران: انتشارات فردوس.
- صفوی، کوروش. (۱۳۸۳). درآمدی بر معناشناسی. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- ضمیران، محمد. (۱۳۸۲). درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر. تهران: نشر قصه.
- فلامکی، محمد منصور. (۱۳۹۱). اصل‌ها و خوانش معماری ایرانی. تهران: انتشارات فضا.
- مایس، پیرفون. (۱۳۸۴). عناصر معماری. ترجمه: مجتبی دولت‌خواه. تهران: انتشارات ملائک.
- گیرو، پیر. (۱۳۸۳). نشانه‌شناسی. ترجمه: محمد نبوی، چاپ دوم، تهران: انتشارات آگه.
- معماریان، غلامحسین. (۱۳۹۳). مبنای طراحی معماری. تهران: انتشارات نغمه نواندیش.
- یاکسیون، رومن. (۱۳۸۰). زبان‌شناسی و شوشناسی. برگردان کردش صفوی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- یاکسیون، رومن. (۱۳۸۰). قطب‌های استعاره و مجاز. برگردان کردش صفوی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.

منابع انگلیسی:

- Chandler, D. (۲۰۰۲). Semiotics for beginners: glossary of key terms. Aberystwyth University.
- Silverman, K. (۱۹۸۳). The subject of semiotics. Oxford University Press.
- Kress, G., & Van Leeuwen, T. (۱۹۹۶). The grammar of visual design. London and New York: Routledge.